نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۱۱

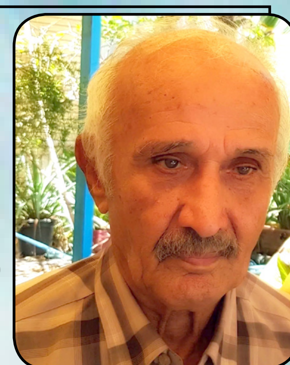
سه شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)



نکوداشت سالروز تولد محمدرضا صفدری؛

نویسنده‌ای که از دریا و بندر می‌نویسد



در سوگ شادروان عبدالکریم قاسمی، که عشق به ادبیات را به دانش آموزان آموخت

مصاحبه نسیم جنوب با حانیه کره بندی هنرمند جوان بوشهری:

ما آزادیم تا هنرمند زندگی خود باشیم

سه اتفاق مهم در فضای بوشهر قدیم

تخریب محیط زیست و سواحل خاطره انگیز بوشهر به چه قیمتی؟!

آغاز عملیات اجرایی ۲ هزارو۲۵۲ واحد مسکونی در استان بوشهر



عملیات اجرایی ۲هزار و ۲۵۲ واحد نهضت ملی جهش تولید مسکن در آیینی با حضور استاندار بوشهر و دیگر مدیران این استان آغاز شد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، استاندار بوشهر در این آیین که در شهرستان جم برگزار شد افزود: از این تعداد واحد مسکونی ۶۰۰ واحد در شهر برازجان، ۳۰۰ واحد جم، ۲۰۰ واحد در بهارستان و ریز، ۵۰۰ واحد دیلم، ۲۵۲واحد کنگان و ۴۰۰ واحد در گناوه احداث می‌شوند.

احمد محمدی زاده بیان کرد: در زمان حاضر ۴۰ هزار نفر در سامانه نهضت ملی جهش تولید مسکن در استان بوشهر ثبت نام کرده اند که تاکنون هشت هزار نفر به عنوان واجد شرایط انتخاب شده اند و در حال ارزیابی مابقی متقاضیان هستیم. با این وجود در زمان حاضر برای بیش از ۴۰ هزار واحد زمین در استان بوشهر تامین شده و تلاش می شود با پیگیری این میزان زمین به ۶۰ هزار واحد افزایش یابد. با آغاز عملیات اجرایی واحدهای مسکونی امروز شمار واحدهای مسکونی در دست اجرای نهضت ملی مسکن در این استان به بیش از ۱۱ هزار و ۵۰۰ واحد می رسد که در مراحل مختلف آماده سازی قرار دارند و با توجه به دستور رئیس جمهور و تامین منابع بانکی تولت دولت و پشتیبانی وزیر راه و شهرسازی امیدواریم روند احداث این واحدهای مسکونی سرعت گیرد و در هفته های آینده ش احداث واحدهای جدید دیگری را در این استان آغاز کنیم.

محمدی زاده یادآور شد: از مجموع ۱۱ هزارو ۵۰۰ واحد مسکونی در دست اجرای نهضت ملی مسکن در استان بوشهر ۲هزار و ۴۰۰ واحد در روستاها احداث شده است.

استاندار بوشهر گفت: در برخی از شهرهای استان بوشهر زمین‌های منابع طبیعی و موات بویژه در شهرهای جنوبی، حاشیه و کنار دریا قرار گرفته اند که این شهرها شناسایی و عملیات واگذاری از منابع طبیعی به راه و شهرسازی آغاز شده است. وی ادامه داد: با توجه به نقشه کشی و تفکیک اراضی انجام شده برنامه ما این است که در این گونه شهرهایی که زمین به قدر کافی وجود دارد به جوان‌ها زمین واگذار شود تا با پرداخت وام خودشان اقدام به ساخت خانه کنند و به این صورت یک حرکت گسترده و جهشی در عملیات خانه سازی در استان بوشهر انجام شود.

محمدی زاده گفت: انتظار می رود جوانان از فرصت ثبت نام برای دریافت این زمین‌ها که در زمان حاضر در ۶ شهر استان احصا شده اند استفاده کنند تا بتوانند به این صورت صاحب زمین و خانه شوند و ما نیز به عنوان دولت برای صاحب خانه شدن آنان حمایت می کنیم.

سهم استان بوشهر از مسکن محرومان ۴۵۰ واحد است

مدیر کل بنیاد مسکن استان بوشهر گفت: سهم این استان در ساخت مسکن محرومان در روستاها و شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر که با کمک، همیاری و مشارکت بنیاد مستضعفان و بنیاد مسکن اجرا می شود، ۴۵۰ واحد است.

رئیس اتاق بازرگانی بوشهر:

کم کاری بانک های استان بوشهر در دادن وام برای رونق تولید و فعالیت‌های اقتصادی

اعتراض به طولانی شدن فرآیند ترخیص کالا و رسوب آن در بنادر

رئیس اتاق بازرگانی بوشهر گفت: با توجه به حجم بالای سپرده‌گذاری این استان در نزد بانک‌ها، انتظار است بانک‌های بوشهر در نحوه پرداخت تسهیلات بازنگری کنند.

به گزارش خبرنگار ایرنا، خوردشید گزدرازی در نشست شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی استان بوشهر اظهار کرد: گزارش بانک مرکزی در سال ۱۴۰۰ حکایت از پیشتازی استان بوشهر در جذب منابع داشته، طوری که به نسبت جمعیت، این استان رتبه اول را از نظر سپرده در اختیار بانک‌ها داشته است.

وی بیان کرد: مبلغ سپرده‌گذاری شده در بانک های استان بوشهر در حدود ۶۱ هزار میلیارد تومان گزارش شده اما نکته قابل توجه آن جاست که میزان تسهیلات پرداختی بانک های استان کمتر از ۱۰ درصد این مبلغ بوده است.

گزدرازی یادآور شد: این وضعیت در حالی رقم خورده است که میانگین کشوری پرداخت تسهیلات ۷۵ درصد میزان سپرده گذاری‌ها بوده است.

وی افزود: این موضوع بدون تردید کم کاری سیستم بانکی استان برای وام‌های خرد یا تسهیلات کلان برای رونق تولید و فعالیت‌های اقتصادی استان را نشان می‌دهد.

گزدرازی ادامه داد: از طرف دیگر انجام تشریفات گمرکی کالا پس از اظهار نیز به طور تقریبی ۳۰ روز زمان می برد بنابراین در این مرحله نیز متحمل هزینه دموراژ می‌شود که همین امر موجب افزایش قیمت تمام شده کالاها، گرانی و رکود خواهد شد.

وی یادآور شد: پیش از صدور بخشنامه مذکور، صاحبان کالا می‌توانستند کالا را قبل از تخصیص کد منشأ ارز اظهار کنند و تشریفات گمرکی را انجام دهند و کالا را ظرف مدت یک الی ۲ روز بعد از صدور کد ترخیص کنند.

قائم مقام شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی استان بوشهر نیز گفت: بررسی مسائل و مشکلات تجار و بازرگانان پیرامون تعویض ثبت و سفارش به علت تغییر ردیف تعرفه استنباطی گمرک از دیگر اولویت‌های کار این اتاق است که در راستای تسهیل در فعالیت تجار و بازرگانان در دستور کار قرار گرفته است.



ندیر پورجم افزود: طبق بخشنامه دفتر مقررات صادرات و واردات، بروز هرگونه اختلاف ردیف تعرفه استنباطی با ردیف تعرفه مندرج در ثبت سفارش، نیاز به اصلاح ثبت سفارش و کد تخصیص ارز داشته و گمرکات مجاز به ادامه تشریفات گمرکی با صدور پروانه بدون اصلاح ثبت سفارش اظهارنامه نیستند.

وی ادامه داد: تغییر تعرفه کالا عمدتاً به دلیل جابه جایی گروه کالایی در حین انجام تشریفات گمرکی اتفاق می‌افتد و در این بین شرح کالا عوض نمی‌شود یعنی مأخذ ثابت باقی می ماند لذا به اعتقاد گمرک نیازی به اصلاح ثبت سفارش نیست، اما وزارت صمت معتقد است که اصلاح ثبت سفارش باید صورت پذیرد.

پورجم افزود: با توجه به این که تمامی مراحل ثبت سفارش یکبار در سامانه جامع تجارت طی شده و کد تخصیص ارز پس از گذشت یک ماه صادر شده، انجام مجدد مراحل فوق به علت تغییر ردیف استنباطی گمرک منجر به طولانی شدن فرآیند ترخیص کالا و رسوب آن در بنادر می شود.

پورجم ادامه داد: از جمله ایرادهای طرح یاد شده می‌توان به طولانی شدن فرآیند ترخیص کالا و رسوب آن در بنادر، تحمیل هزینه های سنگین دموراژ و انبارداری بر صاحبان کالا، افزایش قیمت تمام شده کالاهای وارداتی و افزایش تورم افسار گسیخته و کاهش قدرت خرید مردم اشاره کرد.

پورجم ادامه داد: با استناد به بند الف تبصره ۴ ماده ۱۱ قانون بهبود محیط کسب و کار پیشنهاد می‌شود که احیاء مفاد بخشنامه شماره ۱۵۳ گمرک جمهوری اسلامی ایران از سوی دبیرخانه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی، ستاد نظارت گمرکات و سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مورد پیگیری قرار گیرد.

مجموع اعتبار عمرانی و اقتصادی امسال استان بوشهر ۱۰ هزار میلیارد تومان است

استاندار بوشهر گفت: مجموع منابع اعتبار عمرانی و اقتصادی این استان در سال جاری ۱۰ هزار میلیارد تومان است که باید با استفاده از آنها پروژه‌های مهم تولیدی برای اشتغال پایدار و ماندگار در این استان تعریف شود.

به گزارش روابط عمومی استانداری بوشه، احمد محمدی‌زاده در جلسه کارگروه اقتصادی و اشتغال این استان اعلام کرد: امسال منابع اعتباری استان بوشهر در حوزه‌های اقتصادی و تولیدی افزایش یافته و منابع این حوزه در بخش‌های مختلف تبصره ۱۸ و ۱۶ قانون بودجه، بنیادهای برکت، علوی، کمیته امداد، بهزیستی و دیگر بخش‌ها زمینه اجرای طرح‌های مختلف اقتصادی و اشتغال‌زایی در سراسر استان را فراهم کرده است.

وی افزود: اعتبارات حوزه عمرانی استان بوشهر از محل تملک دارایی و سرمایه‌ای و سازمان برنامه و بودجه یکهزار و ۴۰۰ میلیارد تومان است.

استاندار بوشهر یادآور شد: یکهزار و ۳۷۷ میلیارد تومان نیز از محل مسئولیت‌های اجتماعی حوزه‌های زیر مجموعه وزارت نفت به این استان اختصاص یافته است.

محمدی‌زاده گفت: همچنین امسال ساخت ۱۰ هزار واحد مسکونی در استان بوشهر در قالب نهضت ملی مسکن آغاز شده است که بیش از پنج هزار میلیارد تومان در این طرح سرمایه‌گذاری می‌شود.

وی اضافه کرد: ۶۰۰ میلیارد تومان نیز برای اجرا طرح‌های راهداری با مشارکت سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کشور به استان بوشهر اختصاص یافته است.

محمدی‌زاده اعلام کرد: با ایجاد ۳۰ هزار فرصت شغلی در سال جاری در بخش‌های مختلف، مشکل بیکاری در استان بوشهر برطرف می‌شود.

استاندار بوشهر عنوان کرد: تولید انرژی خورشیدی یکی از طرح‌های مهم برای اشتغال‌زایی و جبران کمبود برق است و اجرای این پروژه‌ها در منازل با توجه به وجود تجهیزات آن در داخل کشور و تجربه لازم می‌تواند تحولی مهم ایجاد کند.

محمدی‌زاده افزود: پرورش ماهی در قفس یکی دیگر از ظرفیت‌های بوشهر است که می‌توان طرح‌هایی در مقیاس کوچک ۱۵ و ۲۰ تنی در روستاهای ساحلی این استان تدوین کرد و با نصب قفس در عمق ۸ تا ۹ متری دریا گامی مهم در راستای تولید، اشتغال و درآمد پایدار برداشت.

نجات ۷ فرد گرفتار شده در ساحل باتلاقی «دیّر»

رئیس اورژانس ۱۱۵ شهرستان دیر از پایان عملیات نجات ۷ نفر در باتلاق ساحلی روستای شیَرم این شهرستان خبر داد.

حسین ناظمیان پور در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: ساعت ۱۰:۳۰ دقیقه امروز طی تماسی با مرکز پیام فوریت‌های پزشکی شهرستان دیّر اعلام شد هفت نفر در باتلاق روستای شیَرم گرفتار شده‌اند. بلافاصله نیروهای امدادی و اورژانس ۱۱۵، نیروهای مردمی و بسیج در محل مستقر شدند، اما به‌دلیل شرایطی باتلاقی امدادرسانی با کندی صورت گرفت.

ناظمیان‌پور بابیان اینکه مصدومین دچار گرمازدگی شده بودند، ادامه داد: با توجه به باتلاقی بودن زمین و عدم امکان حضور آمبولانس به صحنه، درخواست بالگرد داده شده و خوشبختانه عملیات امداد رسانی با موفقیت به پایان رسید.

اولین حضورشاهین شهرداری در بازیهای پیشکسوتان بوشهر

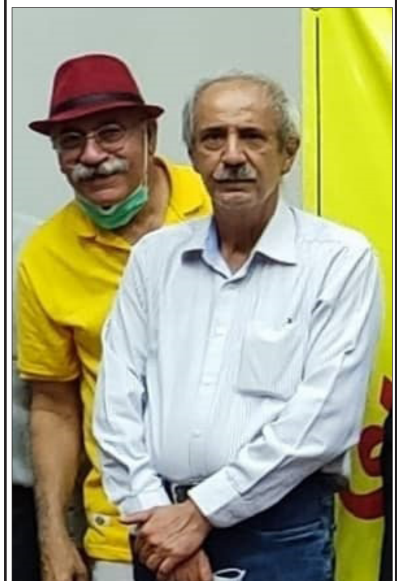
ایستاده ازچپ: قاسم محمدزاده سرپرست جواد دشتیان سرمربی جمشید پولادی، علی تنگستانی، اسماعیل فولادی، کریم مصری، محسن پاپری، عباس تامینی، نیما مظفری.

نشسته ازچپ: ناصرقلاش، سعید مسیگر، مهدی غلامی، ناصر بریدانی، ابراهیم تیشه.



کاش به تنهایی های شهرم سرک بکشیم

جمیل رزمی



دریک روز دم کرده عقربه های ساعت سنگینی خود را مانند یک بختک بر روی نفس شهر انداخته است. ساعت حوالی ۶ صبح است وگویی عقربه ها میلی به ادامه حرکت ندارند، کندی حرکت عقربه ها حسابی کلافه ام کرده اند.

خیلی آرام در ساختمان رامی بندم، بی هوا به راه می افتم، سایه تعطیلی جمعه به خوبی خود را بر خیابان های خلوت شهر نشان داده است و در مسیر راهم درختان انجیر معابد نگاه مرا به سمت خود می دزدد. خود را به زیر یکی از آن درختان که شاخه هایش را تا نزدیکی زمین رها کرده است می رسانم تا لختی با تماشای این مسافری از هند کمی از کلافگی ام بکاهم.

و از لابلای برگ های آویزان اشعه ملایم صبحگاه خورشید برای لحظاتی مرا به شوخی می گیرد، کمی درآن سایه می نشینم و باز پای در رکاب خیال می نهم و در این بیکرانگی ذهنم به دنبال چیزی می گردم که ارزش اندیشیدن به خود را داشته باشد. روزها را با خود مروری کنم و به یاد مراسم روز قلم می افتم که فرهنگسرای امیری برگزار کرد.

در آن هم همه و ازدحام پایانی مراسم که همه برای گرفتن عکس های یادگاری بر روی صحنه رفته بودند و مشغول ثبت خاطرات آن شب بودند.

تصویری متفاوت مرا بر جای خود میخکوب کرد، در یکی از این فریم ها استاد جان احمدیان منتقد ادبی و نویسنده سرشناس و مهدی جهان بخشان طنزپردازی که با طنازی هرچه بیشتر ضعف ها، تلخ کامی های مردمش را با نگاه تیزبینش صادقانه با زبان شیرین طنز بازگومی کند در تصویر نمایان است. او در این عکس ماندگار از پشت یکی از ستون های ادبی شهر سرک کشیده است تا در ورای ناگفته ها حرفی برای گفتن داشته باشد و ای کاش مانیز همچون او این جسارت را به خود می دادیم تا بیشتر به مظلومیت و تنهائی شهرمان در این زمانه فکرکنیم و کاستی های شهرمان را پیگیر باشیم.

تصادف زنجیره‌ای در محور بوشهر – برازجان

رئیس پلیس راه استان بوشهر گفت: سانحه رانندگی در محور بوشهر – برازجان که براثر وزش باد و گرد و خاک رخ داد، سه مصدوم برجا گذاشته است. در این حادثه به دلیل برخورد چهار دستگاه خودرو سه نفر مصدوم شده و با اورژانس به مرکز درمانی منتقل شدند.

ژاپن پس از ترور؛ سیستم ها نابود نمی شوند

سجاد بهزادی



"شینزو آبه"، نخست‌وزیر سابق ژاپن که در یک کمپین انتخاباتی سخنرانی می کرد ترور شد. اتفاقی نادر در سرزمین آفتاب تابان. اما پرسش اساسی اینست که آیا ترور یکی از محبوب ترین چهره های سیاسی در ژاپن، می تواند سرعت قطار توسعه و پیشرفت این کشور را کند؟

برای پاسخ به این پرسش توجه خوانندگان را به موضوع فیلمی معطوف می کنم که به تازگی در شبکه های اجتماعی به صورت گسترده منتشر شد و عذرخواهی شرکت ژاپنی به خاطر افزایش قیمت محصولاتش را نشان می داد.

به عبارتی ساده تر در یک گوشه ای از جهان؛ مدیران، مسئولان وشرکت هایی وجود دارند که محصولات آنها در طی ۲۵ سال حدود ۲ هزار و ۶۰۰ تومان افزایش قیمت داده می شود؛ اما در گوشه ای دیگر از همین جهان هستی کشور دیگری وجود دارد که در طی تنها یکسال، معمولی ترین نوع کالای آن ۱۷۰ درصد رشد قیمت را نشان می دهد.این در حالی است که کشور ژاپن دارای منابع طبیعی خیلی محدودی است و اکثر جزایر و خاک آن کوهستانی و آتشفشانی است؛ در عوض کشور ایران که تنها یک درصد مساحت خشکی‌های دنیا و یک درصد جمعیت دنیا را دارد، ۱۱ درصد منابع نفتی ثابت شده دنیا را نیز در اختیار دارد و ۱۷ درصد از ذخایر گازی جهان نیز متعلق به کشور ایران است.



در این فیلم ۶۰ ثانیه ای، یک شرکت ژاپنی به دلیل افزایش ۰/۸۷ دلاری محصولاتش بعد از ۲۵ سال، از مردم رسماً عذرخواهی کرد. به عبارتی ساده تر، یک شرکت ژاپنی که پس از ۲۵ سال مجبور شد برای اولین بار قیمت محصولات خود را ۱۰ ین (حدود دو هزار و ۶۰۰ تومان) گران کند، با انتشار آگهی رسماً از مردم عذرخواهی کرد. در این ویدئو که در رسانه‌های سراسر جهان هم منتشر شد، شرکت ژاپنی به طرز مبتکرانه‌ای احساس ناراحتی خود را نسبت به این افزایش اجباری و تاثیرات آن بر مصرف کنندگان ابراز کرد.

شرکت نام این تیزر حدوداً یک‌دقیقه‌ای را "آگهی غمگین" گذاشته و در آن مساله افزایش قیمت را اعلام و بابت آن عذرخواهی کرد.

به عمق داستان این فیلم ۶۰ ثانیه ای که دقت کنیم به این نتیجه خواهیم رسید، هیچ کشوری با محوریت یک فرد ویا یک جریان نمی تواند صاحب این سطح از اخلاق و اقتصاد باشد که کارمندان یک شرکتش، بابت دو هزار و ۶۰۰ تومان افزایش قیمتی که محصولات آن شرکت پس از ۲۵ سال داشته است رسماً از مصرف کنندگان عذرخواهی کند.

بدون شک افکار و اندیشه هزاران هزار مدیر و نخست وزیرانی چون " آبه" در سراسر کشور ژاپن پخش هستند و این سطح از اخلاق و تعقل سبب می شود، ترور ومرگ افراد(حتی اگر نخست وزیر باشد) کمترین خللی به توسعه و پیشرفت این کشور وارد شود.

شما این داستان را حساب کنید در کشور ایران که در یک قلم کالا، به تازگی اعلام شد، هر بسته ۵۰۰ گرمی ماکارونی که در خرداد سال گذشته به‌طور متوسط حدود ۶۴۰۰ تومان قیمت داشته که به ۱۱ هزار تومان در اردیبهشت امسال رسیده و تا بیش از ۱۸ هزار تومان در خرداد افزایش قیمت داشته است. یعنی گرانی ۱۷۰ درصدی ماکارونی در یک سال.

نخست وزیر آبه، باسابقه‌ترین نخست‌وزیر در تاریخ دموکراتیک ژاپن بود و محبوب‌ترین سیاست‌مدار این کشور به شمار می‌آمد. اما شیوه حکم رانی در کشور ژاپن به گونه ای است که ترور یک شخصیت محبوب، هرگز برای توسعه و آزادی بازدارنده نخواهد بود. ژاپنی ها همواره برای رشد و پیشرفت خود تصمیم سازی می کنند و سیستم در آن جا بر فردگرایی مقدم است. سیستم یعنی رویه، قاعده، قانون، عقل ورزی و منطق. وقتی در یک کشور سیستم حاکم است روح شایسته سالاری در آن جامعه تقویت می شود و نهادها هستند که کشور را اداره می کنند و نه اشخاص.

اساسا در کشورهای صنعتی جهان بنگاه ها هستند که جریان سازی می کنند و دولت ها تنها بخش کوچکی از تحول و توسعه بر دوششان است.

به قول دکتر یک استاد دانشگاه، "چرا ما نمی توانیم نام چند مسئول یا سیاستمدار کشورهای توسعه یافته را نام ببریم. زیرا که سیستم در این کشورها حکم رانی می کند و نه اشخاص."

"ژاپن و کره جنوبی یک سیستم هستند. چرا دولت جدید کانادا، دو مهاجر که تبعهٔ کانادا شده اند را در کابینه عضو می کند. شهروند کانادایی که از فرقهٔ سیک هندی است به وزارت اقتصاد منصوب نشده بلکه به وزارت دفاع که در حیطهٔ امنیتی ترین نهادهای یک کشور است منصوب شده است. دلیل: کانادا یک سیستم است. شخص سیک هندی برای یک سیستم کار خواهد کرد و ویژگی های شخصی و سوابق او نقشی در تصمیم گیریهای او ندارد".

اگر چه هدف بلندپروازانه "شینزو آبه" برای افزایش تولید ناخالص داخلی به ۶۰۰ تریلیون ین تا سال ۲۰۲۰ محقق نشد؛ اما "آبه" یک فرد بود و بدون شک سیستم ها در کشور ژاپن اجازه نخواهند داد رویاهای سرزمین آفتاب تابان، با مرگ وترور شخصیت ها خاموش گردد.

زندگی آگاهانه

ابزارهای رشد فردی: تفکر نقاد

حسین زیرراهی–مدرس مهارتهای توسعه فردی



بارش بادنجان از آسمان، تلاش یک عقاب برای بردن یک بچه در پارک، پیش‌بینی کرونا در داستان مصور تن‌تن، ایرانیها باهوش‌ترین مردم دنیا هستند، حک شدن شعر سعدی بر سردر سازمان ملل، خواص اعجاب‌انگیز فلان گیاه و هزاران مطلبی که در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسانها برای ما ارسال می‌شود و ما آن را چشم‌بسته می‌پذیریم و برای دیگران هم ارسال می‌کنیم. غافل از این که از خود بپرسیم بر اساس کدام دلیل یا مدرک صحت این مطلب را پذیرفته‌ام.

اینها مثالهایی ساده از خلا تفکر نقاد است در بین ما است. چیزهایی را می‌پذیریم و باور می‌کنیم که اطمینانی به درستی آن نداریم. البته این پذیرش صرفا در مورد مطالب دریافتی از دیگران نیست. خیلی وقتها آن چه فکر می‌کنیم و باور داریم هم نادرست است ولی نمی‌خواهیم به آن شک کنیم.

تفکر نقاد یعنی هنر درست اندیشیدن. شک کردن به آن چه فکر می‌کنیم درست است. اگر تفکر نقاد نبود ما همچنان فکر می‌کردیم هستی به دور زمین می‌چرخد. چرا ما نقادانه فکر نمی‌کنیم؟ چون فکر کردن کار سختی است. فکر کردن مستلزم صرف زمان و انرژی است. وقتی قرار نیست چیزی را همین طوری قبول کنیم، حداقل کار این است که از جنبه‌های مختلف آن را بررسی کنیم. شاید لازم باشد در کتابها یا منابعی دیگر در مورد آن جستجو کنیم. یا صحت و سقم آن را از دیگران بپرسیم. ولی ما یا بهتر بگوییم مغز ما کار راحت را انتخاب می‌کنیم: پذیرش بدون تحقیق. بصورت طبیعی و آموزش‌ندیده ریشه‌های تفکر ما بر اساس عادت، تقلید، تکرار، تعصب، خرافات و ... است. فلانی گفته، همه می گویند، دوست دارم اینطوری باشد... هیچکدام از اینها دلیل درستی نیست.

اگر هواپیمایی از بوشهر به مقصد تهران برخیزد در صورتی که زاویه حرکتش یک درجه خطا داشته باشد ممکن است به جای تهران به مشهد یا تبریز برود. این مثالی برای اثر کارهای کوچک و به ظاهر کم ارزش در رشد فردی است. ممکن است شما خواننده گرامی بگویید اگر من مطلبی را همینطوری بپذیرم چه تاثیری در زندگی‌ام می گذارد. موضوعی مانند تفکر نقاد هم درست مانند زاویه حرکت هواپیما در درازمدت اثر بزرگی بر زندگی ما می گذارد.

رولف دوبلی در کتاب هنر شفاف اندیشیدن ۹۹ خطای شناختی را فهرست کرده است. خطاهای شناختی زمانی است که ما به جای درست اندیشیدن راه میانبر ولی اشتباه را انتخاب می‌کنیم اگر این خطاها را نشناسیم هنگام تصمیم‌گیریهای حساس زندگی بر آنها تکیه می‌کنیم. می‌خواهیم سهام بخریم به حرف دیگران تکیه می‌کنیم. می‌خواهیم گندم بکاریم می گوییم انشاالله امسال باران می‌بارد. چرا؟ چون دوست داریم باران ببارد بجای این که برویم پیش‌بینی هواشناسی را نگاه کنیم.

چطور نقادانه فکر کنیم؟ تفکر نقاد یک مهارت است که نیاز به آموزش و تمرین عملی دارد. ولی برای شروع کافی است افکار خود را به چالش بک–شیم. از خود سوالهای چالش برانگیز بپرسیم. آیا در این مساله تعصب دارم؟ ممکن است این سوال چند پاسخ وجود داشته باشد؟ ممکن است حق با طرف مقابل باشد؟ مراجعه به آمار، کنجکاوی، مشاهد دقیق، سوال پرسیدن و گوش کردن دقیق از ابزارهای تفکر نقاد است. فقط باید حواسمان باشد تفکر نقاد برای خودمان است. قرار نیست با بقیه بحث کنیم و افکار آنها را زیر سوال ببریم.

شهراد میدری



پاسپورتِ «مولوی» را طالبان برداشته
«شمس» از این غصه سر بر آسمان برداشته

شاعرِ دلتنگِ ما را کرده ممنوع الخروج
آن‌که گنجِ عشق را از «بامیان» برداشته

بشنو از نی چون حکایت می‌کند از «بلخ» تلخ
از شکایت، مثنوی قفل از دهان برداشته

شیخِ ما از قرنِ دوری آمده، زندان چرا؟؟!
گویی از ساقی، سبویی شوکران برداشته

جرمِ دیگر آن‌که مامور از میانِ دفترش
نسخه ای از شعرِ «موسا و شبان» برداشته

گفته اند این شعر، توهین به مقامِ کبریاست
لرزه ها عرشِ خداوندی از آن برداشته

صحبت از خورشیدِ مانده در حصارِ ابرهاست
صحبت از آهی که سر بر آسمان برداشته

شاید «احمدشاهِ مسعود» است روشن در افق
این‌که از سیمرغ، تیری بر کمان برداشته

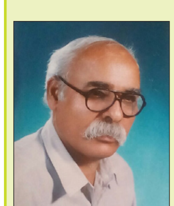
از فرازِ دره یِ اندوهبارِ «پنجشیر»
گامِ حق خواهانه از نو در جهان برداشته

آمده یاری کند فر و شکوهِ شعر را
این خبر کلِ جهان را بی‌امان برداشته

می‌رسد روزی که می‌گویند او پیروز شد
او که از اجدادِ خود، نام و نشان برداشته

«عشق»، اندوهِ تمام ناتمامِ قصه هاست
شاعری از واژه ها آَتش به جان برداشته

حجم خاکستری..



مرتضی زندپور

گم شده ام
در حجم خاکستری
در غربت گرگ و میش ...
با مرکبی
که نفس هاش
هوا را مسموم می کند

*

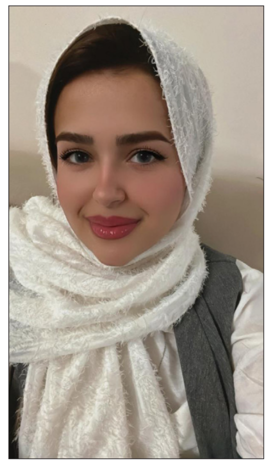
تو بر بال چلچله
صداقت روستا را
به شهر های دور می بری

*

این جا
ساعت شماطه داری
زمان را
بر پیشانی ام می نویسد
تنها پرنده ی زیبای «تنگ زرد»
دستان آشیانه ای ام را
گرم نگه داشته است

مصاحبه نسیم جنوب با حانیه کره بندی هنرمند جوان بوشهری:

ما آزادیم تا هنرمند زندگی خود باشیم



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

–حانیه کره‌بندی هستم متولدسال ۱۳۸۰ محل تولدبوشهر.

–چه شد که به سمت نقاشی رفتید؟

–از کودکی ذوق هنری داشتم و از سن۴سالگی در کلاس های نقاشی شرکت می کردم.

– چه دوره آموزشی را نزد چه اساتیدی گذراندید؟

–ابتدا در تهران در هنرسرای عباسی و استاد عباسی به صورت تخصصی و حرفه آموزش سیاه قلم و طراحی چهره را گذراندم و پس از آن در بوشهر آموزشگاه پالت زیر نظر استاد جمشیدی دوره حرفه ای نقاشی مُدرن میکس مِدیا و هایپر رئال را گذَراندم.

– موضوع نقاشی های شما بیشتر چیست؟

– طراحی چهره،نقاشی رنگی حیوانات و منظره.

– چرا به این موضوعات علاقه دارید؟

– هنر می تواند به کیفیت زندگی بیفزاید و اگر هر انسانی بتواند زندگی اش را به صورت هنرمندانه ای خلق کند از جمله طراحی چهره و نقاشی منظره که در نهایت به اثری که از خود خلق کرده آفرین بگوید و از زندگی نهایت لذت را ببرد در واقع آن فرد یک هنرمند است.

– در این راه چه کسانی از شما حمایت کردند و چه کسانی مشوقتان بود؟

–حمایت های صمیمانه پدر و مادر واساتید گرانقدرم.

– بهترین نقاشی عمرتان را به چه کسی تقدیم می کنید ؟ چرا؟

– تقدیم می‌کنم به پدر و مادرم که از نگاهشان صلابت، از رفتارشان محبت و از صبرشان ایستادگی را آموختم، تقدیم به مهربان فرشتگانی که لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و تمام تجربه‌های یکتا و زیبای زندگیم، مدیون حضور سبز آن‌هاست، سپاس بی کران پروردگار یکتا را که پدر و مادری این چنین نصیبم ساخته و امیدوارم بتوانم در آینده نزدیک جوابگوی این همه محبت آن‌ها باشم

– الگوی شما در نقاشی در ایران و خارج کدام هنرمندان هستند؟

– ماری کاسات، بانوی هنرمند معروف آمریکایی و اساتید فوق العاده بانو جمشیدی و بانو عباسی.

– سوژه های خود را چگونه انتخاب می‌کنید؟

– سوژه ها را بر اساس برخی چهره هایی که مرا مجذوب خود می کنند مشتاق به طراحی آنها می شوم و در رابطه با نقاشی منظره هم گاهی تصویرسازی ذهنی و گاهی وقتی در طبیعت هستم چشم اندازم نسبت به دنیای اطرافم را نقاشی می کنم.

– چرا به نقاشی های مفهومی علاقه دارید؟

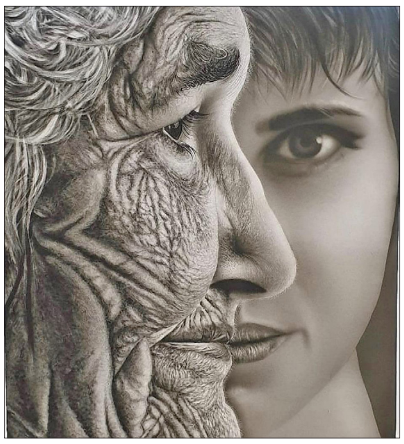
– به دلیل این که هنر را باید درک کرد. غالب اشخاص هـنر را حس می کنند بعضی ها می فهمند. ولی عده ای بسیار کم. هم حس می کنند و هم می فهمند.

– به تدریس هنر نقاشی هم مشغول هستید؟

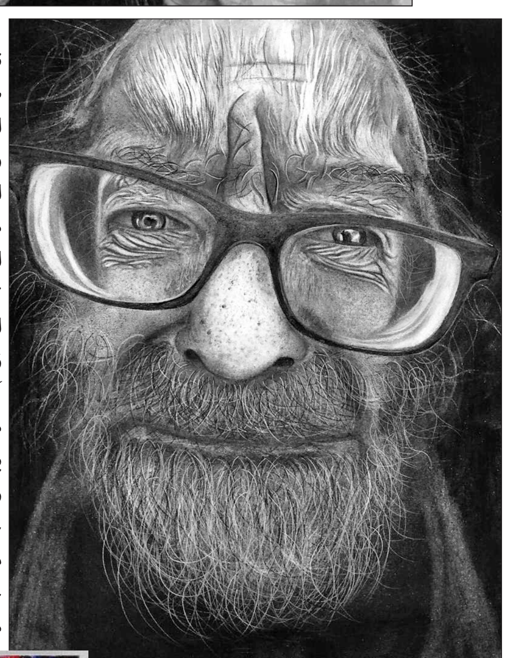
– بله در فرهنگسرای رمضان امیری و موسسه فرهنگی پژوهشی مَهان و دانشگاه آزاد اسلامی.

– وضعیت هنر نقاشی در بین جوانان در بوشهر چگونه است؟

– نیاز انسان امروز به هنر از جمله نیازهای است که احتیاج به استدلال ندارد زیرا هر انسانی، با هر سطحی از فرهنگ، فکر و اندیشه ای به این مساله واقف است. از زمانی که انسان را می شناسیم به همان میزان هنر را در کنار او می بینیم. بشر در طول تاریخ حیات اجتماعی اش هیچ وقت بدون هنر زندگی نکرده و هنر از آغاز زندگی تا به امروز همچنان با او و همراه او بوده و خواهد بود. این روزها تعداد بسیاری از جوانان و نوجوانان علاقه مند به هنر را می بینم و خوشحالم بابت ذوق هنری و حمایت های خانواده شان این نشانه روند پیشرفت در سطح جهان هنردوستی و پرورش هنرمندان متعددی می تواند باشد







– احساس تان درباره نقاشی را در یک جمله بنویسید؟

–نقاشی برای من کشف دنیای درون است.

– چطور افراد می توانند استعداد هنری خود را کشف کنند؟

– معتقدم که همه، رگه هایی از هنر را در وجود خود دارند؛ باید آن را کشف کرده و پرورش بدهند. انتخاب یک رشته هنری، سبب تقویت خلاقیت و ابتکار شما می شود که در حالت عادی ممکن است رخ ندهد.

اگر در جامعه، درخشش هنر وجود داشته باشد، فضای جامعه با وجود جوانان هنرمند درخشان تر می شود.

– چه توصیه ای به جوانان علاقمند به هنر دارید؟

– هنرمند که باشی، گویی پایت در زمین و سرت در آسمان الهام، است که روح خسته ات را جلا می دهد و با لطافت هنر از آزردگی ها می رهاند.کافی است کمی سکوت کنی و گوش جان بسپاری به نغمه ها و رنگ ها و نقش هایی که از عالمی دیگر–نمی دانم کدام عالم– بر وجودت فرود می آید.فقط عشق، باید نسبت به کاری که می کنید عشق داشته و محسور باشید آن چه در هنر مهم و دارای ارزش است نگرش به جهان ایدئولوژی یا جهان نگری نهفته در اثر هنری است و تلاش هنرمند در بازسازی این جهان بینی.

– سخن پایانی؟

– خداوند به هر کس تابلوی نقاشی سفیدی در ابتدای زندگی او داده است. وقتی که خدا به ما قلم مو و رنگ می‌دهد کلمهٔ «هدف» را زمزمه می‌کند، و ما را آزاد می‌گذارد تا هنرمند زندگی خود باشیم.



یک شهر - یک نگاه (۱)

سه اتفاق مهم در فضای بوشهر قدیم

ابراهیم مهدی زاده



پیش درآمد: دهه ۴۰ تا ۵۰ شمسی سه اتقاق مهم در بوشهر شکل گرفت که هر کدام به نوبه ی خود در توسعه و دگرگونی بوشهر نقش حیاتی بازی کرد.

تشکیل سازمان بنادر و کشتیرانی، لایروبی دریا و زهکشی و توسعه و تخریب منازل سه محله همجوار. فنس کشی و ایجاد اسکله برای لنگر اندازی کشتی های تجاری بزرگ، افتتاح شرکت صنایع دریایی، ایجاد پایگاه هوایی و دریایی، کوچ اجباری ساکنان بومی به مناطق دیگر.

آمدن شرکت های ساختمانی " هدیش" و "تسا " و " اترک"... تعطیلی آب انبار قوام و حمل تانکر آب به آب انبارها. لوله کشی آب به منازل از طریق شاهپور کازرون و فضای مناسب برای اشتغال نیروی مولد، چهره ی اقتصادی/ سیاسی شهر را دگرگون کرد.

دوم ایجاد و ساخت استادیوم بزرگ ورزشی کنار ساحل زیبای خلیج فارس با سکوهای تماشاگران، که تا آن زمان بوشهر فاقد آن بود. این استادیوم بستری برای مسابقات باشگاهی و مناسبت های رسمی را فراهم نمود و زمینه برای رشد فوتبال و در نتیجه دو قطبی شدن اهالی شهر را شکل داد. به قسمی که اختلافات محله ای و تکایا را، به سایه برد.

سیرک هندی "ریموند سرکس" بیشتر از یک ماه در این استادیوم نمایش و اجرا داشت. دعوت از باشگاه های صاحب نام تهرانی، خوزستانی، شور و هیجان آن، به شهر، حال و هوای دیگر داد. این فضای دو قطبی جامعه ساکت و خاموش شهر را به هم ریخت و تا عمق خانواده پیش رفت. ما دانش آموزان آن دوره برکنار از این قضایا نبودیم. به قول معروف یک پای مسابقات و بحث و جدل های بعد از بازی بودیم. هیچ کس از این هیجانات برکنار نبود.

در بوشهر یک باشگاه چند منظوره بنام "نیرومند" بود و چهار باشگاه فوتبال بنام های "ایرانجوان"، "شاهین / خلیج سابق"، "پاس / شعاع سابق" و "تاج". تشکیل تیم خرد سالان باشگاه ها، به نیاز تیم های بزرگسالان پاسخ می داد. فرهنگیان مدارس، کارمندان ادارات، ناخدایان، جاشوان بارانداز گمرگ و اسکله، تا کسبه و فروشگاه ها در منازعات این دو تیم شرکت داشتند. باشگاه ها نیز برای تشکیل کانون و دفتر و دیگر ورزش ها، بیکار ننشستند و ساختمانی را اجاره یا ساختند که به امر کشتی، والیبال، وزنه برداری، زیبایی اندام، شطرنج و غیره می پرداختند. ما نسل نوجوان نیز، از این شور، به وجه آمده بودیم.

به موازات این تحول، مدیران و معلمان مدارس ابتدایی و متوسطه، برای پیش رفت مدارس و نشان دادن بیلان فعالیت های فوق برنامه به اداره کل، به توسعه کاردستی، مسابقات مدارس، روزنامه دیواری و کتابخانه و توضیح مجلات مخصوص کودکان مثل "کیهان بچه ها" همت گماشتند. فرستادن عکس دانش آموزان ممتاز به مجلات منتشره در تهران، آتش رقابت را میان دانش آموزان و خانواده ها شدت بخشید.

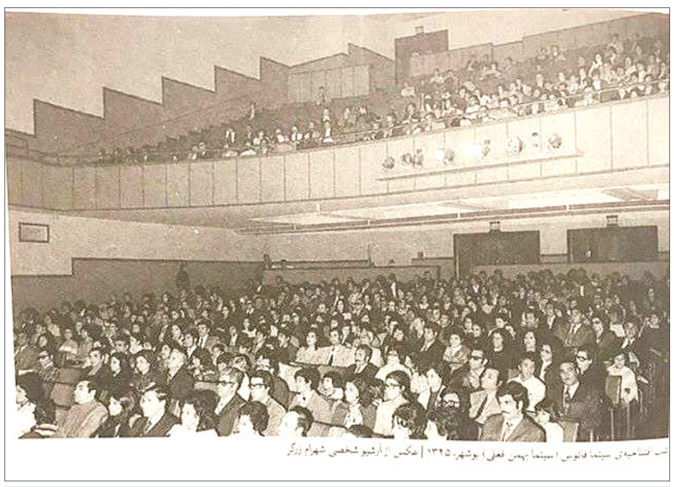
کتاب‌های طلایی را خانواده ها و دوستانی که تابستانها برای فرار از گرما به استان فارس یا مناطق دیگر می رفتند خریداری و به مدارس خود هدیه می دادند.



بوشهر قبل از تخریب قسمتی از بافت قدیم و ساخت اسکله

سومین و مهم ترین تحول فرهنگی، ساخت سالن بزرگ آموزش و پرورش در جوار دبیرستان سعادت بود که آمفی تاتر کوچک و محدود دبیرستان سعادت را در سایه برد. ساختمان اعظیم و زیبا فرهنگیان پشت اداره کل محل جلسات و مناسبات بسیار بزرگی شد که در ارتقاء هنر موسیقی، تاتر و جشن های ملی مثل مشروطه، آزادی آذربایجان و سرودهای پر شور ملی میهنی تبدیل شد. تشکیل کتابخانه عمومی و نمایشگاه پرندگان و آزمایشگاه شیمی در کنار سالن بزرگ آموزش و پرورش یکی از بزرگترین توسعه فرهنگی آن دهه محسوب می شود.

دیگری، افتتاح سینمای بزرگ و با شکوه فانوس بود. دانش آموزان دیگر صاحب جا و مکان مشخص و شناخته شده بودند. یا به باشگاهها و استادیوم می رفتند یا کتابخانه ی فرهنگ و تمرین تاتر و سرود یا سینمای مجلل فانوس...



افتتاح سینما فانوس بوشهر در سال ۱۳۴۵

باشگاه "نیرومند" هفته ای یک بار از دریای جفره برای آموزش شنا استفاده می کرد. ناگفته نماند که باشگاه ها به همت افراد عاشق و با هزینه آبونمان افراد و گاه سرمایه شخصی اداره می شد.

در مورد کتابخانه و آزمایشگاه و سالن تاتر و موسیقی نیز سخن از اضافه کاری مسؤلان این اماکن اصلا مطرح نبود.

دبیر شیمی استاد مهیمنی با همراهی آقای اولیاء آزمایشگاه شیمی را اداره می کردند. کتابخانه نیز به مدیریت شاعر سرشناس استاد محمدرضا نعمتی زاده، اداره و کانونی بود برای شاعران و نویسندگان و اهالی هنر.



تیم منتخب بوشهر سال۱۳۴۴

زنده یاد یداله خراجی ، زنده یاد غلامرضا بولخیری، دکتر حسن قاسمی ، زنده یاد محمدرضا سملیان (سمیل) مجید چاهی بخش.محمد علی درویشی (دلو) احمد رزمی. زنده یاد اکبر کبگانی مربی

نشسته از راست .محمد رضا محمدی.زنده یاد حسن جمالی.حسین ماهینی.غلام پورچنگی زنده یاد احمد تورانی.باقر کرمی.زنده یاد محمد علی برزین. زنده یاد عباس سالار

در سوگ شادروان عبدالکریم قاسمی، که عشق به ادبیات را به دانش آموزان آموخت



یونس قیصی زاده: جامعه فرهنگی و آموزش و پرورش استان بوشهر، بار دیگر یکی از مفاخر خود را از دست داد. شادروان عبدالکریم قاسمی دبیر ادبیات مدارس شهر بوشهر که چندین دهه با تلاش خود سعی کرد عشق به ادبیات را در دل دانش‌آموزان بکارد، روی در نقاب خاک کشید و به سرای باقی شتافت.

وی معلمی دلسوز و آگاه به تاریخ و ادبیات ایران بود و با حوصله و دلسوزی سعی داشت دانش‌آموزان را به ادبیات علاقه‌مند و آنان را نسبت به تاریخ ادبی ایران زمین آگاه نماید. با شور و شوقی وصف‌ناشدنی اشعار حافظ را برای دانش‌آموزان می‌خواند و حکایات سعدی را برای آنان بازگو می‌کرد، به فردوسی که می‌رسید و هنگام خواندن شاهنامه، غرور و رد حماسه در چهره و صدایش نمایان می‌شد.

تاریخ ادبیات ایران‌زمین را همانند گنجینه‌ای پُرگهر می‌دانست که مردم از آن غافل شده‌اند و دانش‌آموزان را تشویق می‌کرد تا هر کس به فراخور علاقه خود، از این گلستان باشکوه دسته‌گلی بردارد و اشعاری را زمزمه کند. علاوه بر ادبیات، دانش‌آموزان را تشویق به ورزش و حضور در تیم‌های محلات و مدرسه می‌کرد به‌طوری که یکی از مشوقان دانش‌آموزان ورزشکار بود. رابطه وی با دانش‌آموزان فراتر از معلمی شاگردی بود و به زندگی دانش‌آموزان اهمیت می‌داد و همانند پدری مهربان دست آنان را در روبرو شدن با مشکلات در هنگام کودکی و نوجوانی می‌گرفت.

به دانش‌آموزانش افتخار می‌کرد و هر جا آنان را می‌دید در جمع به تعریف و تمجید از آنان می‌پرداخت و حضور آنان را باعث افتخار خود می‌دانست. از این که دانش‌آموزانش در زندگی موفق بوده و پیشرفت کرده بودند خوشحال می‌شد و از دیدن آنها سر از پا نمی‌شناخت. احوال آنها را جویا می‌شد و زبانش از تشویق آنان باز نمی‌ایستاد. چندین نسل از دانش‌آموزان بوشهری با این معلم خوش‌اخلاق، دلسوز و باسواد خاطرات خوش و فراموش ناشدنی دارند و اکنون با گذاشتن عکس وی در فضای مجازی سوگوار از دست دادن آن بزرگمرد نازنین هستند.

شادروان عبدالکریم قاسمی پس از بازنشستگی از شغل معلمی، از روی علاقه و برای امرار معاش حلال به سمت ماهیگیری رفت به‌طوری که همگام با ماهیگیران لنج‌های جزیره شیف و دیگر ماهیگیران، دل به دریا زد و به این کار سخت مشغول شد.

وی سال‌ها پیش در مصاحبه با نسیم جنوب درباره زندگی خود و ایام معلمی و اوقات سخت بازنشستگی سخن گفت و هنگامی که از او پرسیدیم: چنان‌چه زمان به عقب برگردد، آیا باز هم شغل معلمی را انتخاب می‌کند؟ پاسخ داد: «عبدالکریم قاسمی متولد شد تا معلم شود و خوشحالم که عمرم به معلمی در کلاس و با دانش‌آموزان سپری شد و در سرای آخرت نیز با امید به لطف خدا و با دستان پر در پیشگاه خدا حاضر می‌شوم و می‌گویم خدایا هرچه از دستم بر می‌آمد برای این‌که بنده خوبی باشم و سعی کنم دیگران را نیز به خوبی فرا خوانم، انجام دادم و چه کاری بهتر از این‌که سعی کنی چیزی به دیگران بیاموزی». روحش شاد و یادش ماندگار و راهش پررهرو.

تیراندازی در مراسم عزا و عروسی از منظر روانشناسی

دکتر رقیه عیدی‌خطیبی

در بررسی علل یک رفتار و آسیب‌شناسی آن از جنبه‌ها و زوایای مختلف می‌توان به آن نگاه کرد. برخی از این رفتارها به دلیل عواقب و پیامدهایی که دارند توجه بیشتری را می‌طلبند و اتخاذ تدابیر مناسب و راهکارهای سودمندی را ایجاب می‌کنند، به‌خصوص رفتارهایی که در سطح وسیع گسترش می‌یابند، تکرارشونده هستند و با آسیب‌های جانی و مالی همراهند. از جمله اینگونه رفتارها برخی آداب و رسومی است که میان مردم یک منطقه یا قوم رواج پیدا می‌کند و زمانی که به عنوان یک رسم یا سنت پذیرفته می‌شود، تکرارشوندگی آن هم گریزناپذیر بوده و همین امر باعث می‌شود تبعات منفی آن به وفور مشاهده شود.



می‌توان گفت تیراندازی در مراسم عروسی و عزاداری که در برخی مناطق و میان برخی اقوام کشور رواج دارد نیز از جمله همین موارد است و متأسفانه به صورت مکرر شاهد اخبار ناخوشایندی در این خصوص بوده و هستیم که حکایت از اتفاقات ناگواری داشته و گاه به عنوان موضوع خبری، صفحه حوادث رسانه‌ها را پر می‌کند. بررسی چنین رفتاری در حوزه جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و سایر حوزه‌های علوم انسانی و ارائه راهکارهایی از نقطه‌نظر اجتماعی و قانونی و ... به جای خود، اما به نظر می‌رسد بررسی و مداخله در این موضوع و پیشگیری از تبعات آن از زاویه روانشناختی نیز می‌تواند کمک کننده باشد.

به عنوان مثال، آمیختگی هیجانات با خیلی از مراسم و آداب و رسوم محلی، موضوعی انکارناپذیر است. از مراسم عروسی گرفته تا مراسم عزا و سوگواری، هر کدام دربرگیرنده انواعی از هیجانات هستند. مراسمی که محوریت اصلی آن‌ها شادمانی و سرور است، مثل عروسی‌ها و مراسمی که با غم و اندوه همراه هستند، مانند مراسم عزاداری. قطعاً یکی از دلایل گرد آمدن افراد در این مراسم براساس همان هیجانات طبیعی است، یعنی نیاز به ابراز و تخلیه هیجانات یا نیاز به ابراز شادی یا تسکین غم و اندوه. براساس یافته‌های علمی، تأثیر این گردهم آمدن‌ها در حل و فصل هیجانات بر متخصصان حوزه روانشناسی پوشیده نیست و توصیه‌های تخصصی فراوانی وجود دارد که افراد را به برگزاری چنین مراسمی تشویق می‌کنند تا به آن‌ها کمک کنند مدیریت مناسبی بر هیجانات خود داشته باشند و از پیامدهای هیجانات منفی پیشگیری کنند و بر آثار خوب هیجانات مثبت بیفزایند، اما به نظر می‌رسد در مواردی نیز این گردهم آمدن‌ها نتیجه معکوسی در پی دارد و به نحوی شکل می‌گیرد و اجرا می‌شود که با ماهیت و هدف آن‌ها ناهمخوان است، مثل مراسم جشن و شادمانی که به عزا تبدیل می‌شود و مراسم عزایی که به جای تسکین آلام مصیبت‌دیدگان، مصیبت دیگری را به بار می‌آورد و بر رنج و غم آن‌ها می‌افزاید.

انسان‌ها تحت تأثیر محیطی که در آن زندگی می‌کنند، یاد می‌گیرند هیجانات خود را با انواعی از الگوهای رفتاری فردی یا جمعی بروز دهند و لازم است مجهز به الگوهای سالم رفتاری باشند، اما گاهی الگوهای رفتاری نادرستی به کار گرفته می‌شود که آسیب‌ها و خطراتی را در پی دارد.

بنابراین در پیشگیری از آسیب‌ها و خطرات مربوط به رفتارهایی، چون تیراندازی در کنار سایر تدابیر قانونی و فرهنگی، لزوم توجه به مدیریت هیجانات اهمیت خاصی دارد.

این که افراد و گروه‌ها یاد بگیرند شادمانی خود را با رفتارهای سالم‌تری ابراز کنند و از آن لذت ببرند. از سوی دیگر گاهی تداوم چنین اقداماتی به دلیل پافشاری بر باورهایی انعطاف‌ناپذیر و بی‌چون و چراست. در مواردی تکرار یک رفتار اشتباه به باورهای گروه مبنی بر تغییرناپذیری آن رفتار یا رسم و سنت برمی گردد و افراد عمل نکردن به آن را یک فاجعه بزرگ می‌پندارند. باورهایی از این قبیل که این کار، بخشی از رسم و رسوم آبا و اجدادی یا قومی یا منطقه‌ای ماست و لاجرم باید تمام و کمال اجرا شود و اگر نشود چنین و چنان می‌شود!!

بر این اساس آموزش تفکر منطقی و کمک به درک پیامدهای یک عمل و سبک و سنگین کردن آن‌ها و بررسی سود و زیان ناشی از انجام آن عمل هم اقدام مهم دیگری است که در آموزش‌های محلی از طرف روانشناسان و مشاوران باید مدنظر قرار گیرد.

البته فاجعه بزرگ‌تر زمانی است که چنین رسم و رسومی، ابزاری می‌شود و در دست افرادی برای انتقام و غرض‌ورزی‌های شخصی قرار می‌گیرد که متأسفانه در برخی از حوادث ردپای این انتقامجویی‌ها دیده می‌شود.

اشخاص بیماری که توان حل مسائل شخصی یا بین‌فردی خود را ندارند، کسانی که نمی‌توانند هیجان و رفتار خود را به نحو شایسته مدیریت کنند و به استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز در برخورد با مسائل ارتباطی دست می‌زنند و از این فرصت‌ها استفاده و نیات خود را عملی می‌کنند و نتیجه آن سوگواری‌های دردناکی می‌شود که از بطن مراسمی که می‌توانست آثار سودمندی داشته باشد، برمی‌خیزند. عدم دخالت بزرگ‌ترها و افراد آگاه منطقه در این خصوص و رها کردن و تسلیم شدن به آن به تکرار و توسعه‌اش دامن می‌زند.

از سوی دیگر کودکان و نوجوانان که الگوگیری یکی از روش‌های آن‌ها برای یادگیری چگونه زندگی کردن است، چنین رفتارهایی را با الگوبرداری از بزرگ‌ترها در خزانه رفتاری خود ذخیره می‌کنند. نوجوانان و جوانان برای ابراز و تخلیه هیجانات خود به شیوه‌های سالمی نیازمندند و در صورتی که در خزانه رفتاری آنان چنین شیوه‌هایی موجود نباشد به آن چه به اشتباه آموخته شده دست خواهند برد و از آن به عنوان ابزاری برای ابراز هیجانات درونی خود استفاده خواهند کرد و به این ترتیب تکرار بی‌رویه یک رفتار نادرست و خشونت‌آمیز نتایج ناخوشایندی را به بار خواهد آورد. از این‌رو به نظر می‌رسد در کنار سایر تدابیر اجتماعی و قانونی و غیره، مداخله روانشناسان بومی و محلی می‌تواند نتایج بسیار مفیدی دربرداشته باشد. آموزش‌های همگانی در خصوص مدیریت هیجانات، رشد و تقویت تفکر نقادانه برای شناسایی باورهای اشتباه، شناخت رسم و رسوم درست و نادرست و توانایی پیش‌بینی پیامد و عواقب رفتار می‌تواند کمک شایان توجهی در پیشگیری از آسیب‌ها و خطرات ناشی از اجرای این قبیل رسم و رسوم داشته باشد.

آموزش بزرگان و افراد تأثیرگذار و همچنین آموزش کودکان و نوجوانان در مدارس و جلب مشارکت معلمان و مشاوران مدارس می‌تواند نقش مهم و فزاینده‌ای در پیشگیری از این موارد داشته باشد و به تسهیل سایر برنامه‌های پیشگیرانه کمک کند.

مرجع : جوان آنلاین

به بهانه نزاع دستجمعی تعدادی از نوجوانان در بوشهر

زنگ خطر مهلکی برای خانواده ها

احمد خواجه حسنی – نویسنده و روزنامه نگار

در فاصله ای که ناوک نگاه ها به نشست آستانه در تهران بود و تحلیل زبان بدن عالیجناب پوتین با چاشنی مصادره به مطلوب، از نان شب واجب تر می نمود، آستانه تحمّل چند نوجوان در بوشهر به تنگ آمده و باعث رخداد اتفاقی در توالی رفتارهای خشونت آمیز در سطح جامعه گردید، این بار ویدیویی کوتاه در شبکه های اجتماعی و فضای مجازی در چرخه وایرال شدن است که چند دختر نوجوان (در بوشهر)! با هنجار شکنی و رفتارهای خشونت آمیز با یکدیگر گلاویز شده و قمه کشان پنجه در پنجه هم افکنده تا دگر بار سیگنال های هشدار آمیز و معنا داری به همگان گوشزد کنند؛ ایها الناس، حوزه ی اجتماعی حال و روز مساعدی ندارد.

در ظهور و بروز برخوردهای خشن اجتماعی، پدیده خشونت معلول عوامل متعددی است که علاوه بر مسائل اقتصادی، عوامل اجتماعی، فرهنگی و آموزشی هم در آن دخیل می باشند، (در اینجا، زمان محدودتر از این بررسی های وسیع است)، موجز و مختصر این که برای کل جامعه نمی‌توان یک نسخه ی واحد تجویز کرد امّا با روند افزایش مستمر خشونت ها، به سهولت می توان دریافت که ساده و بی پیرایه «اوضاع خیلی خراب است» و بار کثیری از این خرابی حادث شده به نهاد خانواده و آموزش و پرورش برمی گردد، مضاف بر این، فضای رها مجازی نیز بر دامن زدن به آسیب‌های اجتماعی بسیار تاثیر گذار نمود پیدا کرده است.



با بسط و توسعه فضای مجازی، فرآیند جامعه پذیری افراد تغییر یافته، جامعه متکثر شده و به سیاق سابق نمی توان بر درفت های سنّتی در این میان تکیه کرد، در نتیجه عوامل اصلی یعنی نهاد خانواده و مهمترین عامل ثانویه که مدرسه و نهادهای آموزشی می باشند در فرآیند جامعه پذیری جامعه هدف، به صراحت از قافله عقب مانده اند. بدیهی می نماید و ضرورت دارد، آموزش و پرورش همانند شخصی که پیله پروانه را با بخار دهانش گرم می کند تا هر چه سریعتر به پرواز درآید! بدون فوت وقت به آموزش های مهارت محور و تربیتی بیش از گذشته اهتمام ورزیده و اثرگذار ایفای نقش نماید، لذا ایجاد تحوّل اساسی در ساختار نظام آموزش و پرورش، نیازی مبرم و بی گفتگوست، باشد که موجبات سازگاری اجتماعی فرزندان ایران زمین را آنگونه که شایسته است فراهم آورند، چرا که ناتوانی در کنترل خشم، نداشتن مهارت های گفتگو برای حل مشکلات و اجتناب از تنش، تاثیرات قابل توجهی در تشدید خشونت‌ها و افزایش آمار درگیری‌های خیابانی دارد.

بروز اینگونه رفتارهای هنجارشکنانه در جامعه، زنگ خطر مهلکی برای خانواده‌هاست که با درک و شناخت درستی از کمپلکس‌های شخصیتی فرزندان خود، نظارت بیشتری بر آنها به ویژه بر دوستان و فعالیت فرزندان شان خاصه در فضای مجازی داشته باشند، به این علّت که فضای مجازی عقوبت واقعی را در پی دارد.

در جامعه شناسی انحرافات (ادوین ساترلند) از نظریه ای سخن گفته که تحت عنوان «پیوند افتراقی» است، بر این اساس، افراد به این علت کج رفتار می شوند که تعداد تماس های انحرافی آنها بیشتر از تماس های غیرانحرافی است و این تفاوت در تعامل، علت کج رفتاری آن هاست، بدین مضمون که؛ ما هر چقدر با دوستان نابهنجار و بزهکار ارتباط صمیمانه تری داشته باشیم، متعاقباً از آنها تاثیر بیشتر خواهیم گرفت. (الگو پذیری، زیر بنای شخصیت اجتماعی است)

بنابراین تفاسیر امر مسلّم اینکه، نهاد خانواده به عنوان کانون اصلی تربیتی و نظارتی، به واسطه شرایط به وجود آمده، تُنُک حوصله گشته، وقت کافی را برای رسیدگی به امورات فرزندان در اختیار نداشته، آسیب ها و چالش های فراروی نوجوانان و جوانان به روش های اصولی کانالیزه ننموده و دست آخر، باعث شده جوانان احساس سرخوردگی کنند...

از منظر صاحب نظران و ایده پردازان علوم روانشناسی، در سنین نوجوانی و جوانی، افراد به صورت ناخودآگاه شوق وافری به مطرح کردن خود از طرق مختلف دارند و بسته به نظام تمایلات فردی که شکل دهنده تعاملات اجتماعی است به انضمام متغیرهای مهم محیطی، درجه تمایل به خودنمایی، به اشکال متفاوتی پدیدار می شوند.

حال امّا، این که خشونت به سنین پایین سرایت کرده بسیار قابل تأمل و نگران کننده است، به هر روی، کار از تبیین نظریه های آکادمیک در این باره گذشته و عالیجنابان رابرت گار با تئوری احساس محرومیت نسبی، ویلیام گود با آنومی و ســاختار خانواده، رابرت مرتون با نظریه فشار ساختاری و جرم شناسان نظریه پرداز پنجره شکسته، ویلسون و کلینگ همه با اجماع نظر، برای این جماعت نجیب و درمانده ی ایران زمین زانوی غم بغل گرفته اند چرا که هر روز شاهد خشونت هر چه بیشتر در جامعه هستیم و به راستی، خیابان موزه روباز شناخت جامعه است.

امروزه روز، افزایش قابل توجه هزینه‌های زندگی در کنار رکود اقتصادی، سبب شده که تاب آوری و آستانه ی تحمل مردم و مدارای اجتماعی شان تنزل پیدا کند و خشونت رو به افزایش نهد به نحوی که سطح وسیعی از تعاملات اجتماعی مان را در بر گیرد.

(دغدغه های معیشتی، فساد و تورم بر خشم مردم می افزاید به نحوی که دغدغه های معیشتی جامعه را خشن می کند و چه بسیار انسان‌هایی که در راه مبارزه برای بقا، ارزش های انسانی خود را از دست داده و عظمت بشری خود را فراموش کرده اند.)

*

کلیدی، گوشه‌ای دورافتاده می گریست،
برای این که دنبالش نگشته بودند
و دروازه‌های شهر را
با توپ گشوده بودند...

(شیرکو بیکس)

جزئیات درگیری و قمه‌کشی دختران نوجوان در بوشهر

ایسنا/بوشهر: جانشین فرماندهی انتظامی استان بوشهر جزئیات درگیری و قمه‌کشی چند دختر نوجوان در بوستان شغاب بوشهر را تشریح کرد.
سرهنگ صالحی در واکنش به انتشار کلیپ قدرت نمایی چند دختر نوجوان بوشهری گفت: حدود دو ماه پیش تعدادی از دختر بچه‌های ۱۳الی ۱۶ساله که مدت‌ها با هم دوست بوده و به علت اختلافات شخصی روابط آنها به هم خورده بود، با همدیگر قرار می‌گذارند تا در پارک شغاب حاضر شده و از طریق گفت‌وگو مشکل خود را حل کنند.
وی افزود: دختران نوجوان بعد از دقایقی گفتگو با یکدیگر به توافق نرسیده و با هم درگیر می‌شوند که در همین حین یکی از دختران با قدرت نمایی با قمه‌ای که یکی از دوستانش در اختیار او گذاشته بود اقدام به زدن چندین ضربه به طرفین مقابل می‌کند.
جانشین فرماندهی انتظامی استان بوشهر تصریح کرد: از طرفی یکی از افراد حاضر در محل از صحنه درگیری فیلمبرداری کرده و پس از گذشت حدود دو ماه اقدام به انتشار فیلم در فضای مجازی می‌کند که این موضوع باعث خدشه دار شدن اذهان عمومی شده است.
صالحی بیان کرد: کمتر از ۲۴ ساعت از انتشار فیلم، فرماندهی انتظامی شهرستان بوشهر با همکاری کارشناسان پلیس فتا، عملیات شناسایی را آغاز و صبح چهارشنبه همه دختران دخیل در درگیری و انتشار دهنده فیلم به مرکز پلیس دعوت و پس از انجام تحقیقات اولیه به منظور اصلاح و پیشگیری از اقدامات مشابه تحت خدمات مددکاری اجتماعی و مشاوره‌ای مرکز مشاوره معاونت فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته و همزمان پیگیری‌های قانونی نیز در دست انجام است.

ضارب محیط‌بانان بوشهری به دام افتاد

ایسنا/بوشهر: جانشین فرمانده انتظامی استان بوشهر از دستگیری شرور متواری عامل مجروحیت ماموران محیط‌زیست شهرستان دیر خبر داد.
سرهنگ سهام صالحی اظهار کرد: در تاریخ ۱۷ تیرماه سال جاری فردی شرور دو نفر محیط بان را در بخش بردخون با سلاح گرم مجروح کرده و متواری می‌شود.
جانشین فرمانده انتظامی استان بوشهر با اشاره به این که متهم فردی شرور و حرفه‌ای بوده و در چندین نوبت محل اختفای خود را تغییر می‌داد، خاطرنشان کرد: ماموران پلیس پس از هماهنگی با مرجع قضائی طی یک عملیات منسجم محل‌های اختفای فرد شرور در شهرهای دشتی، برازجان و بوشهر را شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر کردند.

عبدالحسین آموزگار، فرهیخته ای ازسعدآباد بوشهر

فاطمه زیرراهی (کارشناس رشته تاریخ)



نوجوانان و جوانان سعدآباد بوشهر از دیرباز با نام فرهیخته دشتستانی عبدالحسین آموزگار آشنا هستند. در استان بوشهر به دلیل در دسترس نبودن کتاب در دوران گذشته، ایشان دلسوزانه در تلاش بودند و از مرکز کشور و شهرستان کتاب تهیه می کردند و به سعدآباد می آوردند. این شخصیت فرهنگی دلسوز برای کودکان دیروز نیز نامی آشنا دارد، چرا که آن ها نیز با وجود این انسان پاک نهاد از کتاب بی بهره نماندند. خرید و فروش کتاب های درسی و کمک درسی پایه های تحصیلی با وجود آقای آموزگار، در نیز مکتب داری را گسترش و ادامه داد تا این که در سال ۱۳۴۴ به استخدام وزارت آموزش و پرورش شهر سعدآباد در آمدند.
آموزگار در کنار کار در آموزش و پرورش با گشایش یک کتاب فروشی، در سال ۱۳۵۷ و فراهم آوردن کتاب های درسی جامعه را یاری رساند. ایشان با تلاش خود، خدمت بزرگی به مردم سعدآباد و سراسر دشتستان در استان بوشهر نمود. همه شهروندان سعدآباد آگاهی دارند که در گذشته برخی از کتاب های درسی و کمک درسی نایاب بود و به ندرت به دست علاقمندان و دانش آموزان می رسید.
آموزگار چون با انتشاراتی های تهران آشنا و با آنان سر و کار داشت، در تهیه کتاب های درسی، روزنه امیدی برای مردم سعدآباد و



سعدآباد و پیرامون فراهم می شد.
ایشان به گردن همه دانش آموزان دیروز (تا پیش از فروش آنلاین کتاب در کشور)، حق دارند.
نگارنده خود را مدیون این شخصیت فرهنگی می داند چون اگر کتابخانه و کتابفروشی ایشان نبود، شاید خیلی از کسانی که توان رفتن به شهر های بزرگ جهت تهیه و خرید کتاب را نداشتند از درس خواندن باز می ماندند.
عبدالحسین آموزگار، زاده ۱۳۱۲ از کودکی با کتاب و مکتب خانه آشنا بودند. پدر گرامی ایشان به نام کربلایی عبدالله از مکتب داران دیرپای سعدآباد و پایه گذار مکتب و سوادآموزی در این شهر و پیرامون آن، در روزگار پیش از انقلاب بوده است. در اینجا صحبت از روزگاری است که درصد بالایی از شهروندان سواد خواندن و نوشتن نداشتند.
پس از ایشان فرزندشان عبدالحسین آموزگار سراسر دشتستان بود. حال که این شمع پر فروغ روزگار کهنسالی خود را سپری می کنند نباید از کارهای فرهنگی و خدماتی که در گذشته به مردم سعدآباد نموده اند، غافل باشیم.
مردم سعدآباد و دانش آموزان سال های نخست انقلاب که امروز همه در استان بوشهر و سراسر شهرهای کشور به خدمت سرگرم هستند، به بهانه سپاس از این فرهیخته دلسوز سرتعظیم فرود می آورند.
هفته نامه فرهنگی نسیم جنوب و همه دست اندرکاران این رسانه بوشهری قدردان عبدالحسین آموزگار فرهیخته ای خواهند بود که در بالا بردن دانش شهروندان سعدآباد بوشهر صمیمانه تلاش کرده است.
به قول عرفی شیرازی:
چنان با نیک و بد عرفی، به سر بر کز پس مردن
مسلمانت به زمزم شوید و هندو بسوزاند.

تندیس ستاره‌ی جاودان به هنرمند بوشهری رسید



ایسنا/بوشهر: در پنجمین جشنواره بین‌المللی ستاره‌های صحنه، تندیس ستاره‌ی جاودان صحنه به شاهین بهرام‌نژاد هنرمند بوشهری اهداء شد.
پنجمین جشنواره بین‌المللی هنرمندان صحنه که با حضور هنرمندانی از ۱۴ کشور خارجی و ۳۱ استان کشور از ۲۹ تا ۳۱ تیر در استان کرمان و به میزبانی شهر رفسنجان در تالار با شکوه خیام برگزار شد.
دبیرخانه دائمی این جشنواره به پاس سال‌ها فعالیت ارزشمند «شاهین بهرام‌نژاد» در زمینه اجرای صحنه و تلویزیون، لوح افتخار همراه با تندیس ستاره جاودان صحنه را به وی اهداء کرد.
شاهین بهرام‌نژاد همراه با حسین رفیعی و مژده لواسانی داور بخش مجریان این رویداد هنری و بین‌المللی بودند.
دبیرخانه جشنواره جدا از بهرام‌نژاد، تندیس ستاره جاودان را به اهورا ایمان (ترانه‌سرا)، مهرداد یکتا (آهنگساز)، شهرام ملکی‌نیا (مجری) و علی صدوقی (طنزپرداز) اهداء کرد.

اورژانس درمانگاه ایثار بوشهر و کمبود پرسنل!

رضا سیاهوشی



هرچند متاسفانه سایه شوم کرونا هنوز برقرار و به نوعی دوباره این بیماری شیوع پیدا کرده و زحمات و فعالیت کادر درمان در کنار رسیدگی به دیگر بیماران و کارهای متفرقه، نیز بیشتر نموده اما واقعا نباید در حق این عزیزان هم اجحاف نمود!
در بخش اورژانس درمانگاه ایثار بندر بوشهر در هر شیفت دونفر پرسنل مشغول به کار هستند که کارهای پذیرش، تزریقات، پانسمان و حتی در مواقعی و هنگام جراحی سرپایی هم کمک حال پزشک بوده که با توجه به تعداد زیاد مراجعه کنندگان، باعث خستگی مفرط آنان نیز می شود! در حالی که گاهاً و بخاطر کم طاقتی و عدم صبوری بیمار و همراه آن، مورد بی مهری هم قرار می گیرند که خارج از انصاف می باشد!
امید می رود مدیریت آن درمانگاه نسبت به اضافه نمودن تعداد پرسنل یا حداقل یک نیروی خاص پذیرش، اقدام لازم مبذول فرمایند تا هم خدمات رسانی بهتری صورت پذیرد و هم فشار کاری بر پرسنل زحمتکش بخش اورژانس کمتر گردد.



اخاذ زن نما در دشتستان دستگیر شد

ایسنا/بوشهر فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان از شناسایی و دستگیری مجرم آقایی خبرداد که در پوشش جعلی خانمی جوان، اقدام به اخاذی اینترنتی از دوستش کرده بود.
سرهنگ آراوند روز یکشنبه اظهار کرد: مراجعه پسری جوان به پلیس فتا و ادعای وی مبنی بر انتشار تصاویر خصوصی نامبرده در فضای مجازی و تهدید به انتشار تصاویر بیشتر از سوی صاحب یک اکانت شبکه اجتماعی موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارشناسان پلیس فتا شهرستان قرارگرفت.
این مقام انتظامی بیان کرد: در تحقیقات اولیه مشخص شد که یک متصرف این اکانت که خود را دختر خانم جوانی معرفی کرده است و باجلب اعتماد شاکی، موفق به اخذ تصاویر متعدد خصوصی از وی شده و در ادامه با تهدید به انتشار گسترده تصاویر به‌دست آورده، مبالغ چندده میلیونی از او اخاذی کرده و وقتی درخواست‌های مالی این اخاذ اینترنتی افزایش یافته، شاکی به‌ناچار با طرح شکایت به پلیس مراجعه کرده است.
فرمانده انتظامی شهرستان دشتستان عنوان کرد: باانجام اقدامات تخصصی سایبری و پی‌جویی سرنخ‌های دیجیتال محرمانه هویت واقعی این مجرم سایبری و درحقیقت یکی از همکلاسی‌های شاکی بوده که از پوشش جعلی دختری جوان جهت برقراری ارتباط استفاده کرده شناسایی و باهماهنگی مرجع قضایی دریکی از شهرستان‌های جنوبی استان دستگیر و به پلیس فتا دلالت شد.
سرهنگ فرهاد آراوند درخاتمه ضمن اعلام این که مجرم دستگیر شده پس از دستگیری و اعتراف به بزه انتسابی به مرجع ذیصلاح قضایی معرفی گردید به همشهریان گرانقدر نیز توصیه کرد: که به ادعاهای طرف مقابل در فضای مجازی بدون تحقیق و بررسی به هیچ عنوان اعتماد نکرده و درصورتی که به هر علتی مورد اخاذی اینترنتی قرارگرفتید حتماً در اولین اقدام به پلیس مراجعه و موضوع را گزارش نمایید؛ و یقین داشته باشید که اولین اجابت و پاسخگویی به درخواست‌های یک اخاذ اینترنتی باعث سرآغاز درخواست‌های متعدد بعدی خواهد شد.


پارک زیبای لیان، ساحل بوشهر
عکس از علی اکبر هنرور

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷ - ۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

آقای استاندار! صدای واعطشای مردم «جم» را بشنوید قبل از آنکه دیر شود

ابراهیم قیصری

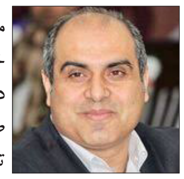


کف گیر سفره های زیر زمینی جم تنها منبع تامین آب شرب شهرستان به ته دیگ خورده است و هر روز گلایه های بی آبی مردم جم شنیده می شود اما تنها خبری که برای بهبود وضعیت آب جم شنیده می شود جلسه است و جلسه...!

هر روز در کوچه و خیابان، در فضای عمومی و مجازی، در ادارات و تریبون های جم گلایه های بی آبی مردم جم شنیده می شود که آب نداریم.
بیش از ۷۰درصد ساکنان جم کارکنان شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی هستند. بخشی که در شهرک های جم ساکن هستند به لطف مافیای تانکریسیم(!) آب دارند و بخشی دیگر که در شهرها و روستاهای جم ساکن هستند همانند مردم بومی جم با بی آبی دست و پنجه نرم می کنند چه تبعیض دردناکی است ساکنان داخل فنس ها ۲۴ ساعته آب دارند اما مردم خارج فنس بی آب اند.
برخی مسوولان نیز برای خاموش کردن انتقادات و گلایه ها فقط وعده افتتاح پروژه آب شیرین کن های جم در آینده را نزدیک می دهند؛ وعده هایی پوشالی که فقط برای آرام کردن مردم است و سالها تکرار می شود.
برای حل مشکلات آب جم باید همه بسیج شوند؛ از استاندار و مدیران آب استان تا مسوولان شهرستان، نماینده مجلس، مدیران شرکت های نفت، گاز و پتروشیمی مستقر در منطقه، همه باید هم سهم خود بدهند و هم در رفع این مشکل اساسی جم کمک کنند.
استاندار برای حل مشکل اساسی آب جم باید در شهرها و روستاهای جم حضور یابد و فریادهای بی آبی مردم جم را بشنود. به نظر می رسد استاندار صدای واعطشای مردم جم را نمی شنود که اگر می شنید حداقل قدمی برمی داشت و استان را برای حل مشکلات آب جم بسیج می کرد؛ قطعا با توجه به سوابق سردار وحیدی وزیر کشور، او اگر ناله های بی آبی مردم جم را می شنید در جم ساکن می شد و تا زمانی که مشکل رفع نشده جم را ترک نمی کرد.
جناب استاندار بدانید وضعیت آب جم فرابحرانی است و این بحران بزرگ در صورتی که در هفته های آینده حل نشود، همانند برخی استان های دیگر مشکلات اجتماعی و امنیتی برای استان در پی خواهد داشت.
برای مردم جم قابل قبول نیست هزار کیلومتری دریای عمان (یزد) به آب شرب دریا دسترسی داشته باشد اما مردم جم در کنار بزرگ ترین صنایع نفت و گاز کشور و در چند قدمی خلیج فارس، از آب شرب محروم باشند.
آقای استاندار؛ حق مردم نجیب و صبور جم که طرفداران ولایت، انقلاب و نظام هستند در همه صحنه ها، چه راهپیمایی ها و چه انتخابات ها مشارکت بالا داشته اند میزبان شایسته نفت و گاز هستند این نیست که آب شرب نداشته باشند و با تانکر به خانه هایشان آبرسانی شود و ناله های بی آبی شان بالا رود.
آینه جم

تخریب محیط زیست و سواحل خاطره انگیز بوشهر به چه قیمتی؟!

یونس خسروانی



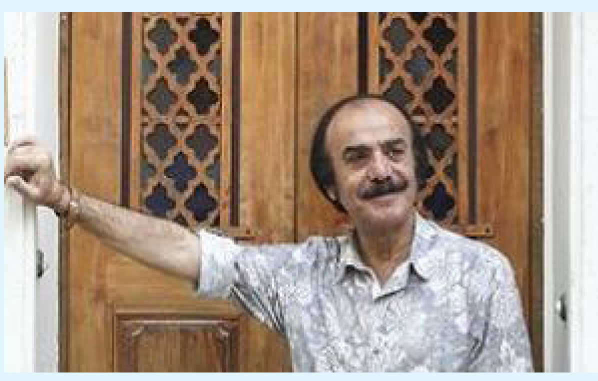
محیط زیست استان بوشهر خصوصاً دریا و سواحل از دست صنایع نفت و گاز به طرز قابل توجهی در حال تخریب و نابودی است.
این موضوع تمام سواحل استان از دیلم تا عسلویه را شامل می شود. اما شهر بوشهر حدیثی دیگر دارد. شهری که سواحل آن را دستگاه های دولتی و... هم تسخیر و تصرف کرده اند.
همین اندک سواحل آزاد برای مردم نیز امروز توسط یک مجموعه مجهول الهویه که حتی تابلو احداث پروژه ندارد و بطور ناگهانی با لودر به جان یکی از نادرترین خورهای بوشهر یعنی خور محله معروف جفره افتاده است و معلوم نیست از چه کسی مجوز دارد، در حال نابودی است.
مردم ما مخالف اجرای طرح گردشگری نیستند، اما مکان طرح باید مناسب باشد. با وجود این که ساحل لیان تا روستای هلیله و پارک گردشگری امام علی بهترین مکان ها برای توسعه گردشگری است، معلوم نیست کدام فرد ذی نفوذ توانسته است مجوز ایجاد رستوران و مجتمع گردشگری را در چشم ساحل بوشهر گرفته است؟



استاندار، سازمان بنادر، محیط زیست، شورا و شهرداری و دستگاههای نظارتی! احساس وظیفه کرده و این اجحاف و ظلم به مردم بندر تاریخی بوشهر را فوراً متوقف کنید.
با کدام منطق و با وجود این که هنوز شمع ها و اسکله ایجاد شده در دولت احمدی نژاد (بعد از رستوران رافائل) در حال زنگ زدن و پوسیدن است، شما می خواهید یک اسکله متروکه دیگر ایجاد کنید؟!
اگر ما و شما و مسئولین استان زورمان به وزارت نفت نمی رسد، بسیار غیر قابل قبول است که پس از این تخریب ها از جانب شخص یا نهادی دیگر در استان بی تفاوت باشیم و بگذاریم به این سواحل خدادادی تعرض کنند. خلاصه این که اگر توان ظرفیت سازی برای توسعه و پیشرفت ندارید، حداقل جلوی تخریب داشته هایی که مردم به آن دلخوشند را بگیرید.

شخصیّت زن در رمان

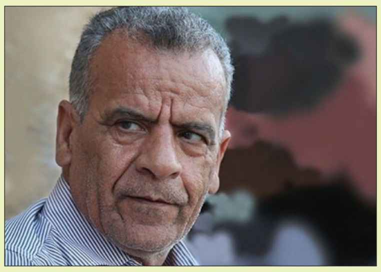
احمد آرام



یکی از شادمانه ترین لحظات زندگی من نوشن رمان «حلزون های پسر» بود. رمانی پیرامون «رازیانه» دختری که به دلیل سنت های دست و پاگیر مجبور بود زیر یوغ پدرسالاری کور، پا از خانه بیرون نگذارد و این درد توی صدایش و آوازهایی که روی درخت خانه اش می خواند تجلّی پیدا کرد. این ها را گفتم وارد یک پرانتز بشویم «تا چه میزان شخصیّت زن باید در رمان دیده شود، آیا این میزان توجه اگر اغراق آمیز باشد زن بهتر دیده می شود؟»
در گفتگو هایی که سر این رمان داشتم اغلب از می پرسیدند که چرا در رمان حلزون های پسر، رازیانه پنهان است؟
من جواب می دادم که او را پنهان نگه داشته ام تا بهتر دیده شود، و از طرفی دیگر ضربه ای مرگبار به پایان داستان وارد کند، و از سویی دیگر قرب و منزلت زنانگی اش در ذهن مخاطب، شروع یک شناخت دوباره باشد.
در اغلب رمان هایی که نوشته می شود، دیده شده که نویسندگان کوشش دارند تمام زنانگی شخصیت را عریان کنند، به این امید که می خواهند به نحو اغراق آمیزی دیده شود، بی این که توجه کنند به شرایط اجتماعی و تنگناه های که زنان در جامعه ما دارند.
«رازیانه» در رمان «حلزون های پسر» نمادی از خفقان جوّ حاکم زیر سلطه ی بدبینی های سنتی است، پس بگذاریم مخاطب برای دیدنش زجر بکشد تا باورش شود سنتها در قرون مختلفِ این مملکت چه گونه قداربندان را ردیف می کند برای کشتنشان.
(برشی از کتاب در دست تهیه : قلبِ چیزها (نوشتن با چهار دست))

نکوداشت سالروز تولد محمدرضا صفدری؛

نویسنده‌ای که از دریا و بندر می‌نویسد



محمدرضا صفدری، پنجم مرداد ماه ۱۳۳۲، در خورموج زاده شد. از اول دبستان تا کلاس نهم در همان شهر تحصیل کرد. دوران دبیرستان را در کرمان، بوشهر و برازجان گذراند و در سال ۱۳۵۱ دیپلم گرفت. از سال ۵۱ تا ۵۳ همزمان با گذراندن دوران سربازی، آموزگار روستا بود؛ سپس در کنار کار در آموزش و پرورش در دانشکده هنرهای دراماتیک و هنرهای زیبا در رشته ادبیات نمایشی درس خواند. بعد از آن در خورموج و خوزستان و تهران درس داد و در شهرک اندیشه بازنشسته گشت.
نوشتن را با نوشتن خاطرات روزانه از سنین کودکی آغاز کرد و اولین داستانش را در ۲۲ سالگی به چاپ رساند. با چاپ ۳ داستان کوتاه در «کتاب جمعه» به همراه معرفی و تحسین کوتاهی از «احمد شاملو» که چنین داستان‌هایی را بیشتر از نخستین تجربه‌های یک نویسنده جوان پنداشته بود، به جامعه ادبی معرفی شد و با ورود به جلسات داستان خوانی پنجشنبه‌های «گلشیری» و چاپ داستانش در مجموعه «۸ داستان»، جایگاهش به عنوان نویسنده‌ای از نسل جدید داستان نویسی فارسی تثبیت شد.
اولین کتابش «سیاسنبو»، را پس از چند سال معطلی توسط نشر شیوای شیراز در سال ۶۸ به چاپ رسید. در حالی چاپ این کتاب تحسین همگان را برانگیخت که برای نویسنده جوانش که خود را نویسنده‌ای واقعگرا و متعهد می‌داند مشکلاتی را رقم زدند که تا مرز اخراج از معلمی و دادگاهی شدن پیش رفت. چنین برخوردهایی، این نویسنده را بیشتر در لاک خود فرو برد چنان که ۹ سال طول کشید تا دومین مجموعه داستانش با نام «تیله آبی» را منتشر کند.
چهار سال بعد از آن، نخستین رمانش «من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم» را به زیور طبع آراست که باعث شد جوایز متعددی را نصیبش کند.
رمان "من ببر نیستم پیچیده به بالای خود تاکم" در سال ۱۳۸۱ از طرف هیئت داوران چهارمین دوره جایزه ادبی مهرگان تحسین شد و همان سال در چهارمین دوره جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعاتی به عنوان رمان برگزیده معرفی شد.
پس از آن، یک قصه بلند به نام «سنگ و سایه» یک مجموعه افسانه به نام «افسانه‌های چهل گیسو» و یک مجموعه داستان به نام «باشب یکشنبه» و قبل‌تر نیز یک نمایشنامه به نام «شام آخر» در سوئد به چاپ رسانده بود. این همه و بسیاری آثار چاپ شده حاصل نیم‌قرن نوشتن مداوم نویسنده‌ای است که تعدادی از درخشان‌ترین داستان های فارسی را نوشته است.
این نویسنده درباره «لزوم توجه به اقلیم و جغرافیا در ادبیات داستانی» می گوید: «اقلیم جای خاصی نیست و در همه جا وجود دارد؛ در تهران اقلیم هست، در بوشهر هم اقلیم هست، اما اقلیم خاص که بافت قدیمی دارد از بین رفته و نمی شود کاری برایش کرد. نویسنده ها از جایی که شناخت دارند می نویسند. جایی که من متولد شدم، دریا و بندر دارد و من هم درباره آنها مینویسم، زیرا از آنجا شناخت دارم».